مبارزه آزاد

کره همیشه در مبارزات رزمی رتبه خوبی داشت مسابقات المپیک آن سال یک رزمی کار کره ایی همزمان در رشته تکواندو و دومیدانی مدال طلا گرفته بود. در میان رسانه ها شایع شده بود که او یک مبارز آزاد در مسابقات غیرقانونی در کره بوده است. وقتی که مربی تیم ملی مبارزات او را دیده تصمیم گرفته او را برای مسابقات المپیک دعوت کند.

چانگ 16 سال بیشتر نداشت ولی سبک مبارزه ایی منحصر به فرد داشت. چانگ سالها تمرین کرده بود تا بتواند مردم را با مبارزه سرگرم کند و او همین روش را در مسابقات المپیک تکرار کرده بود. مبارزات نمایشی او همه را به وجد میآورد. او تکنیک هایی را استفاده میکرد که معمولا در یک مسابقه حرفه ایی استفاده نمیشدند. تکنیک های نمایشی که اجرای آنها در مسابقه ریسک زیادی داشت. چانگ تقریبا تمام طول مسابقه از این تکنیک ها بهره میبرد. تسلط او روی اجرای این تکنیک ها به حدی بود که حریفانش به نظر آماتور و تازه کار میآمدند.

دولت کره تصمیم گرفت برای بهره برداری از این استعداد یک مسابقه آزاد در کره برگذار کند. مبارزه ایی که برنده اول آن 5 میلیون دلار برنده میشد. برای نفرات دوم و سوم جوایز بسیار ناچیزی در نظر گرفته شده بود. و مبلغی بعنوان هزینه سفر به کلیه شرکت کنندگان داده میشد.

پیش بینی دولت استقبال بی نظیر تماشاچیان در حد بازی های المپیک بود. درآمدی که کره به آن احتیاج داشت.

بعد از یکی شدن دو کره و سقوط کره شمالی، دولت کره هیچ شانسی را برای افزایش ثروت کشور و خرج آن برای رفع محرومیت مردم از دست نمیداد.

تاریخ و روز مسابقه اعلام شد. کشورهای مختلف برای این مسابقه آماده شدند.

سهیل 27 سال داشت و در رشته کاراته به مربیگری میپرداخت او خود را برای مبارزه آماده میدید و بعنوان یک ورزشکار آزاد بدون تیم در مسابقات شرکت کرد.

شرکت خودرو سازی رضا که بعد نظام یکپارچه ملی در ایران توسط بخش خصوصی ایجاد شده بود. بعنوان یک تیم 5 نفر را برای مسابقات معرفی کرد.

مهران 13 ساله بعنوان ورزشکار آزاد شرکت کرد. مادر مهران به عمل جراحی احتیاج داشت و تنها راه مهران برای بدست آوردن هزینه جراحی همین مسابقه بود. بسیاری از شرکت های بیمه بعد از برقراری نظام یکپارچه ملی منحل شده بودند. بیشتر آنها به فساد محکوم شدند.

سهیل چند وقتی بود که با شراره قرار میگذاشت. سهیل در فکر ازدواج با شراره بود و سعی میکرد تا جایی که میتواند رابطه خود را جدی تر کند تا شراره هم به همان نقطه یعنی ازدواج برسد. سهیل میتوانست بخوبی عشق را در شراره ببیند ولی نمیدانست چه چیزی مانع جدی شدن رابطه آنها است. آنها بیشتر شبیه دو دوست بودند تا کسانی که قرار ازدواج داشته باشند.

سهیل تصمیم میگرد شراره را تعقیب کند. سهیل در کافی شاپی شراره را با پسری که هیچ ربطی به شراره نداشت میبینید. یک عوضی تمام معنا با آستین کوتاه، یقه باز تمام دستانش تتو شده بود.

سهیل شراره را میشناخت چنین پسری نمیتوانست عشق او باشد.

چند هفته بعد؛ شراره ادعا کرده که سهیل با او رابطه داشته و خواهان ازدواج با اوست. وقتی مادر سهیل از اجباری بودن رابطه میپرسد. شراره میگوید که خودش هم مایل بوده ولی بشرط ازدواج .

سهیل گیج است. شراره هیچ وقت با او وارد رابطه جدی نشده بود. حالا ادعای رابطه از سوی او سهیل تصمیم دارد حقیقت را روشن کند. خیلی زمان نمیبرد که سهیل اصل ماجرا را دریابد. با شراره مشاجره میکند. شراره این را تنها راه برای خلاص شدنش از ماجراهای خود میداند. سهیل و شراره توافق میکنند که ماجرا را پشت سر بگذارند و باهم ازدواج کنند.

سهیل بیش از پیش برای هزینه های ازدواج به بردن مسابقه احتیاج دارد. سهیل سخت تمرین میکند.

شرکت رضا به سهیل و مهران پیشنهاد میکند. که با آنها سفر کنند. شرکت هزینه سفر و اقامت آنها را پذیرفته سهیل و مهران که میدانند نپذیرفتن پیشنهاد شرکت هزینه های سنگین رفت و آمد و اقامت در کره را به همراه دارد. میپذیرند. آنها میدانند شرکت دنبال آن است که از حضور آنها بهره برداری سیاسی کند. ولی هردو خوب میدانند که هزینه های سرسام آور است. بنابراین تمام مبارزان ایرانی در یک اردو به کره میروند.

اردوی ایران شامل هشت ساعت تمرین و یک روز در میان تمرین مبارزه است.

چانگ در کره مانند یک آدم آهنی تمرین میکند. هشت مبارزه بدون توقف پشت سر هم هر روز بیش از 18 ساعت تمرین و مبارزه. تمرینات او شامل تمرین زیر آب، تمرین با وزنه و زنجیر برای بدنسازی، مبارزه و دویدن است. چانگ بسیار سخت برای بردن در حال تمرین است.

خیلی طول نمیکشد که بچه های ارودو متوجه مشکل مهران و دلیل او برای شرکت در مسابقه بشوند. آنها بدون حضور مهران تصمیم میگیرند که هرکدام برنده شد. هزینه درمان مادر مهران را بپردازد.

در بین مبارزان سهیل تجربه بیشتری دارد و تقریبا تنها شانس آنها برای بردن است.

در مسابقات بیشتر اعضاء تیم ایرانی در ابتدا حذف شده اند

سهیل و فرشید دو مبارزی هستند که به دور یک هشتم رسیده اند. فرشید در مبارزه ایی نزدیک به یک آمریکایی میبازد. سهیل در دور یک چهارم به چانگ میخورد.

چانگ در مبارزه ایی نمایشی ده به صفر سهیل را میبرد.

تیم ایرانی میبازد.

شرکت رضا به آنها پیشنهاد میدهد که در کره مبارزات نمایشی اجرا کنند و کمی پول در بیاورند. آنها دیگر هرگز به ایران باز نگشتند. درآمد مبارزات نمایشی در کره به قدر خوب بود که آنها همانجا به همان کار مشغول مانند. مهران مادرش را عمل کرد و باخود به کره برد و در آنجا برای خود و مادرش منزلی را تهیه کرد.

پایان